

تحلیلی از مسئولیت مدنی ناشی از عمل مجرمانه دیگری در حقوق ایران و فرانسه

علیرضا یزدانیان*

دانشیار گروه حقوق خصوصی دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۹/۷ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۵/۱۱/۴)

چکیده

یکی از مباحث حقوق مسئولیت مدنی فرانسه، «مسئولیت مدنی ناشی از عمل مجرمانه دیگری» است. در سیستم‌های حقوقی قاعده این است که مسئولیت کیفری شخصی و فردی است و مسئولیت ناشی از عمل دیگری منتفی است. اما به نظر می‌رسد پذیرش مسئولیت مدنی ناشی از عمل مجرمانه دیگری امکان دارد و حتی در سیستم‌هایی که مسئولیت «کیفری» ناشی از عمل غیر را به کار می‌برند، در واقع منظور نوعی مسئولیت «مدنی» ناشی از عمل مجرمانه دیگری است نه مسئولیت «کیفری». از این رو می‌توان مسئولیت مدنی ناشی از عمل مجرمانه دیگری را به عنوان یک ضرورت در سیستم حقوقی ایران طرح کرد. از سویی ماده ۱۴۲ ق.م.ا.سبب این شبهه است که آیا تحمیل مسئولیت کیفری به معنای دقیق آن بر عهده دیگری ممکن است یا نه. جای مسئله در ادبیات حقوق تعهدات و حقوق کیفری ایران خالی است که در این مقاله به شیوه تطبیقی و با کمک حقوق فرانسه به بررسی این موضوع پرداخته خواهد شد.

واژگان کلیدی

دیگری، کیفری، مسئولیت مدنی.

*Email: a.yazdanian@ase.ui.ac.ir

۱. مقدمه

گاهی مسئولیت کیفری و مدنی، دو روی یک سکه‌اند و ارتباط زیادی با یکدیگر دارند. این دو مسئولیت که در گذشته وحدت داشتند، پس از چندی از یکدیگر تفکیک شدند. اما امروزه باز آهنگ نزدیک شدن این دو رشته در برخی نظام‌های حقوقی به گوش می‌رسد. برخی نویسندگان معروف حقوق مسئولیت مدنی فرانسه، گاه عباراتی مانند «مجازات خصوصی»^۱ یا «شبه کیفری»^۲ را به کار برده‌اند (viney, 1988:5) که نشان‌دهنده تمایل نویسندگان به نزدیک‌سازی این دو رشته است؛ به‌ویژه در مجازات‌های مالی مانند جریمه، دو رشته حقوق جزا و حقوق تعهدات بسیار به هم نزدیک می‌شود، زیرا اگر به‌زعم اندیشمندان فرانسوی در تعریف تعهد پذیرفته شود که تعهد، رابطه حقوقی، مالی و شخصی بین دو یا چند شخص است که بر مبنای آن، یکی از طرفین می‌تواند دیگری را وادار به انجام کار یا ترک کار یا انتقال مالی کند، در این صورت «طبیعت مالی تعهد»^۳ ممیزه «تعهد» از دیگر روابط حقوقی مانند نکاح است (Mazeud, 1978:8)، ولی در مجازات‌هایی مانند جریمه، مجازات به تعهدات نزدیک است و به عبارتی شبیه می‌گردد (Viney, 1995:121). چنانکه جریمه از منظر حقوق کیفری نوعی مجازات بوده و از منظر حقوق تعهدات نوعی تعهد یعنی رابطه دینی است که متعهدله آن دولت و متعهد آن مجرم می‌باشد (ثروت و عبدالمنعم، ۱۴۱۶ق: ۲۲۲)، همان‌گونه که دیه که از منظر حقوق کیفری نوعی مجازات و از منظر حقوق تعهدات نوعی تعهد یا رابطه دینی بین زیان‌دیده و خطاکار است. بنابراین در مجازات‌های مالی تشابهات زیادی بین حقوق کیفری و مدنی می‌توان تصور کرد. صرف‌نظر از مسئله فوق یکی از مسائل مشترک در مسئولیت مدنی و مسئولیت کیفری، مسئله مسئولیت ناشی از عمل غیر است که در حقوق مدنی مطرح شده و در حقوق کیفری نیز می‌توان به مبحث «جایگاه مسئولیت ناشی از عمل غیر در حقوق کیفری»^۴ اشاره کرد (Viney, 1998:808). در این مقاله به این مسئله پرداخته خواهد شد که آیا چیزی به نام «مسئولیت کیفری ناشی از عمل دیگری» به معنای دقیق آن وجود دارد یا باید گفت مسئولیت ناشی از عمل مجرمانه دیگران ضرورتاً یک مسئولیت مدنی است. از این منظر اصطلاح مسئولیت کیفری ناشی از عمل غیر به معنای دقیق آن وجود ندارد و شاید بتوان این نوع مسئولیت را نوعی مسئولیت مدنی ناشی از عمل غیر و به عبارتی نوعی حمایت مالی از فاعلی دانست که توان پرداخت خسارات زیان‌دیده را ندارد (Maurie, Aynes & Stoffel-). از سویی ضرورت طرح این مسئله در حقوق ایران بیشتر احساس می‌شود، (Munck, 2004:76).

1. Peine privée

2. Quasi pénal

3. La nature pecuniaire de l'obligation

4. La place de la responsabilité du fait d'autrui en droit pénal

زیرا در حقوق ایران با تغییرات اخیر در مقررات کیفری، شبهه‌ای به ذهن می‌رسد که آیا می‌توان مسئولیت کیفری را بر دوش دیگری نهاد یا نه. عبارات ماده ۱۴۲ ق.م.ا تا حدودی مایه این تردید است. براساس ماده ۱۴۲ ق.م.ا: «مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری تنها در صورتی ثابت است که شخص به‌طور قانونی مسئول اعمال دیگری باشد یا در رابطه به نتیجه رفتار ارتكابی دیگری مرتکب تقصیر شود». درحالی‌که به نظر می‌رسد مسئولیت کیفری به معنی دقیق آن فقط بر عهده مجرم است و فقط جبران خسارات مالی ناشی از عمل مجرمانه مجرم ممکن است بر عهده دیگران تحمیل شود. بنابراین به جای سخن از «مسئولیت کیفری ناشی از عمل دیگری» می‌توان عبارت «مسئولیت مدنی ناشی از فعل مجرمانه دیگری»^۱ را به کار برد که در قسمت‌های بعد به آن پرداخته خواهد شد.

۲. مسئولیت کیفری ناشی از عمل دیگری از حقوق کهن تا نوین

۲.۱. وجود مسئولیت کیفری ناشی از عمل دیگری

در گذشته، فعل مجرمانه یک نفر فعل مجرمانه دیگران تلقی می‌شد (Responsabilité individuelle & Garanties collectives, 1998:26). چنانچه عمل را یکی از افراد خانواده یا قبیله مرتکب می‌شد، اما تاوان آن را همه افراد خانواده یا قبیله می‌پرداختند. بنابراین مسئولیت کیفری نوعی «مسئولیت جمعی» بود (Colin, Maistre du Chambon, 1999: 5). در این دوران یعنی «انتقام خصوصی»^۲ آثار مجرمانه یک نفر را جمع تحمل می‌کرد (باهری و داور، ۱۳۸۰: ۶۵؛ معتمد، ۱۳۵۱، ج ۱: ۱۱؛ ولیدی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۹۷؛ شامبیاتی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۱۴۹) و فعل یک نفر به زیان دیده حق انتقام از جمعی را می‌بخشید (Deroussin, 2007: 643) و مسئولیت کیفری و مدنی جمعی بود (Cardascia, 1998:1; Viney, 1995:120).

۲.۲. سست شدن مسئولیت کیفری ناشی از عمل دیگری

با پیدایش دولت‌ها و ظهور قاعده قصاص در دین یهود، مسئولیت کیفری ناشی از عمل دیگری تقریباً محو شد (Responsabilité individuelle, Garanties collectives, 1998:26). به این ترتیب تا قرون وسطی «مسئولیت جمعی»^۳ بوده و سپس «اصل شخصی بودن مسئولیت»^۴ به سیستم‌های حقوقی راه یافته است (Viney, 1995:12). همچنین بین حقوق کیفری و مدنی تفکیک شد (Viney, 1995:13) و در حقوق مدنی، مسئولیت ناشی از عمل غیر به‌طور استثنایی مطرح شد، اما از حقوق کیفری رخت بریست.

1. Responsabilité civile du fait pénal d'autrui

2. Le vengeance privé

3. La responsabilité collective

4. Le principe de responsabilité individuelle.

۳.۲. اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری

در قانون حمورابی اصل شخصی بودن به چشم می‌خورد (کینگ، ۱۳۸۳: ۴۶ به بعد)، اما این اصل به‌طور رسمی با انقلاب فرانسه مطرح شده است (Radé, 2005:6). طبق اصل در حقوق ایران (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ج ۱: ۵۳۴؛ صفایی و رحیمی، ۱۳۹۲: ۳۱۴) و در حقوق اسلامی (شریف مرتضی، ۱۴۰۵، ج ۲: ۱۸۹؛ حلی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۴۰۷) و در حقوق فرانسه (Starck, Roland & Boyer, 1996:372; Lecourt, 2008: 202) مسئولیت فقط بر دوش فاعل فعل تحمیل خواهد شد نه دیگری (فاضل مقداد، ۱۴۰۴، ج ۴: ۴۷۵؛ محقق داماد، ۱۳۷۹، ج ۴: ۱۶۳). در حقوق ایران نیز براساس ماده ۱۴۱ ق.م.ا: «مسئولیت کیفری شخصی است». از نظر تحلیلی می‌توان گفت که در حقوق مدنی، فرض مسئولیت مدنی ناشی از عمل غیر، امری متصور است. اما در حقوق کیفری، طبع تنبیهی مجازات، تصور مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر را در ابتدا بسیار بعید نشان می‌دهد؛ حق نیز همین است، زیرا چگونگی می‌توان انسانی را بابت فعل مجرمانه دیگری مجازات کرد. با وجود این اصطلاح فریبنده مسئولیت کیفری ناشی از عمل دیگری در ادبیات حقوقی به چشم می‌خورد.

۴.۲. مسئولیت کیفری استثنایی ناشی از عمل غیر

براساس یک عقیده سنتی، مسئولیت مدنی ناشی از عمل غیر، قابلیت طرح دارد، ولی در حقوق کیفری، قاعده مسئولیت ناشی از عمل غیر وجود ندارد، اما در زمان معاصر رویه قضایی فرانسه ابداعاتی نشان داده (Lassalle, 1993: 19) و در حقوق ایران نیز اصطلاح مسئولیت کیفری ناشی از عمل غیر، مطرح شده و طبق ماده ۱۴۲ ق.م.ا: «مسئولیت کیفری به‌علت رفتار دیگری تنها در صورتی ثابت است که شخص به‌طور قانونی مسئول اعمال دیگری باشد یا در رابطه با نتیجه رفتار ارتكابی دیگری مرتکب تقصیر شود». علی‌رغم حکم ماده مزبور به‌نظر می‌رسد نمی‌توان مصداقی از تحمیل کیفر به معنی دقیق آن مانند حبس یا شلاق بر عهده دیگری در نظام‌های حقوقی یافت. آنچه در این موارد قابل تصور است این است که ممکن است پرداخت مال یا به‌عبارتی جبران خسارت ناشی از عمل مجرمانه دیگری بر شخصی غیر از مجرم تحمیل شود که پرداخت مبلغی پول در قالب دیه یا جریمه است.

۵.۲. طرح دیه و جریمه از منظر حقوق مسئولیت مدنی

از منظر قانون مجازات دیه و جریمه هر دو مجازات است. اما به‌سبب طبع مالی آنها هر دو می‌تواند نوعی تعهد یا دین به‌حساب آید. نکته باقی‌مانده اینکه هر دو دارای کارکردهای تنبیهی و جبرانی است. دیه می‌تواند وسیله ارباب مجرمان بوده و جنبه پیشگیرانه داشته باشد. در عین حال که خسارات زیان‌دیده را جبران می‌سازد. به‌طوری‌که با تحقق جرم مستوجب دیه رابطه

مالی و شخصی بین زیان‌دیده و مجرم ایجاد می‌شود و زیان‌دیده یا ورثه می‌توانند فاعل را به پرداخت وادار سازند. در جریمه نیز گذشته از جنبه ارباب می‌توان جنبه جبرانی نیز در نظر گرفت، زیرا با وقوع جرم مستوجب جریمه در واقع جامعه متحمل خسارت شده و دولت به‌عنوان نماینده جامعه این مبلغ از جریمه را در جهت التیام عمومی و نوعی جبران ضرر بر پیکره جامعه دریافت می‌دارد.^۱ در نتیجه بین مجرم و دولت رابطه تعهد یا رابطه دینی ایجاد می‌شود که دولت می‌تواند مجرم را وادار به پرداخت کند. از سوی دیگر، مرزهای محدود مسئولیت مدنی در هم ریخته و امروزه «اصل احتیاط» بر قوه حاکمه و شهروندان خصوصی تکلیف کرده تا از وقوع خسارات پیشگیری کنند (Viney, 2007:1542). در نتیجه در حقوق مسئولیت مدنی، گذشته از وظیفه و کارکرد جبران‌کننده خسارت^۲ باید از وظیفه دیگری نام برد و آن وظیفه و کارکرد پیشگیری از خسارت^۳ است (Poumarède, 2011:434) که این تشابه وظایف، حقوق مدنی و کیفری را در مورد برخی از جرائم نزدیک می‌سازد.

۳. خسارات ناشی از جرائم

جرائم گاه دارای آثار و نتایج مدنی است که اصولاً این نتایج بر دوش مجرم بار خواهد شد. اما ممکن است قانون مواردی را پیش‌بینی کند که نتایج مدنی یک عمل مجرمانه بتواند بر دوش دیگران قرار گیرد که به‌زعم نویسندگان فرانسوی دو حالت کلی قابل تصور است: در مواردی نتایج ممکن است واقعاً «مسئولیت» به جبران خسارات باشد و مواردی نیز وجود دارد که بهتر است آنها را نوعی «تضمین» نامید، هرچند در این موارد نیز خسارات جبران می‌شود، مانند بیمه یا صندوق‌های تأمین خسارات^۴ (Lassalle, 1993: 19).

۳.۱. اول: مسئولیت مدنی ناشی از عمل مجرمانه غیر

اصل شخصی بودن مسئولیت مدنی رو به افول بوده و مسئله «زوال مسئولیت فردی»^۵ در کتاب‌های حقوق مسئولیت مدنی فرانسه به چشم می‌خورد (Delebecque, Jerome pansier, 2008:7). فلسفه این تحول را باید در یک واقعیت اجتماعی و اقتصادی جست‌وجو کرد که

۱. از خصایص مدنی بودن جریمه این است که گاه اشخاص دیگری غیر از مجرم تحمل می‌کنند. برای مثال اگر الف به پرداخت جریمه‌ای محکوم شود ممکن است برادر وی این مبلغ را بپردازد. درحالی‌که تحمل مجازات به معنی دقیق آن ناشی از عمل دیگران ممکن نیست.

2. La fonction réparatrice

3. La fonction préventive

۴. تقسیم‌بندی فوق، خالی از فایده نیست، زیرا به نظر حقوقدانان، در مواردی که شخص فقط جنبه تضمین دارد، اصولاً پس

از جبران خسارات می‌تواند به فاعل فعل زیانبار مراجعه کند.

5. Déclin de la responsabilité individuelle

امروزه جبران یک خسارت گاه فراتر از ظرفیت مالی و اقتصادی شهروندان است و فاعل عملاً توان اقتصادی در تحمل بار جبران را ندارد (بادینی، ۱۳۸۴: ۳۵۲). در راستای فلسفه فوق در مواردی خسارات ناشی از جرم بر عهده شخص دیگری غیر از مجرم قرار می‌گیرد. به نظر برخی نویسندگان، اشخاص ثالثی که بار جبران خسارات ناشی از جرائم را به دوش می‌کشند یا وراث مجرم‌اند یا اشخاص دیگری که از نظر مدنی مسئول هستند.

۳. ۱.۱. حالت اول: مسئولیت وراث مجرم

به نظر برخی با مرگ مجرم تعهد جبران خسارات ناشی از جرائم، یک تعهد مالی یا یک دینی است که به ترکه تعلق می‌گیرد (Lassalle, 1993: 19). همچنین دکترین و رویه قضایی فرانسه معتقدند که جریمه به عنوان «تعهد مالی متعلق به ترکه»^۱ از اموال مجرم متوفی قابل پرداخت است (Garpaud, 1921: 381). به نظر می‌رسد پذیرش چنین تحلیلی در حقوق ایران از جهاتی ممکن بوده و این امر به معنی بار شدن ذمه وراث نیست. بلکه تعهدات ناشی از جرائم مانند هر تعهد مالی دیگری به «ترکه میت» تعلق می‌گیرد، نه اینکه به «ذمه وراث» تحمیل گردد. از ماده ۸۶۸ ق.م. می‌توان استنباط کرد که دیون به ترکه تعلق می‌گیرد نه به ذمه وراث.

۳. ۲.۱. حالت دوم: مسئولیت اشخاص غیر وراث

به نظر برخی، غیر از وراث، اشخاص دیگری هستند که نتایج جرائم دیگران را بر عهده دارند (Lassalle, 1993: 19).

۳. ۲.۱. ۱. حقوق سنتی

در مورد اشخاص دسته اول که به صورت سنتی نتایج مدنی ناشی از جرائم دیگران را بر عهده دارند، می‌توان به بندهای ۴ تا ۶ ماده ۱۲۴۲ ق.م.ف اشاره کرد و در حقوق ایران مواد ۷ و ۱۲ ق.م. به این مورد اشاره کرده است. اما با صدور رأی «بلیک» در ۱۹۹۱ و ایجاد قاعده مسئولیت مدنی ناشی از عمل غیر چشم‌انداز جدیدی باز شد که نمی‌تواند بر طرح مسئولیت مدنی ناشی از عمل غیر در حقوق کیفری بی‌تأثیر باشد (Lassalle, 1993: 19). در مورد اشخاصی که به صورت سنتی مسئول‌اند، می‌توان به این نکته اشاره کرد که طبق بندهای ۴ تا ۶ ماده ۱۲۴۲ والدین مسئول اعمال کودکان و کارفرما مسئول عمل کارگر و صنعتگران و استادکاران مسئول عمل شاگردان و آموزگار مسئول عمل دانش‌آموزان خود هستند. حال در صورتی که فعل زیانبار کودکان و تابعان و شاگردان نوعی تخلف کیفری نیز به حساب آید، می‌توان گفت نتایج مدنی

1. Obligation pecuniaire à la charge du patrimoine

این تخلفات یعنی مسئولیت مدنی بر عهده اشخاصی غیر از فاعلان قرار گرفته و بر عهده والدین یا متبوع یا استادکار خواهد بود (Lassalle, 1993: 19). به نظر می‌رسد در حقوق ایران در این مورد نیز نمی‌توان یک قاعده کلی ارائه داد و برحسب مورد باید حکم هر مورد را جداگانه بیان کرد، زیرا از نظر تحلیلی اعمال زیانبار کودکان و دیوانگان «جرم» نیست و مسئولیت این اعمال در مواردی و منوط به شرایطی بر عهده عاقله یا سرپرست است، اما اعمال این افراد جرم به حساب نمی‌آید، هرچند نتایج مدنی این اعمال بر عهده والدین یا دیگر سرپرستان باشد. در مورد کارفرما نیز شایان ذکر است که کارفرما زمانی مسئولیت دارد که کارگر «در حین انجام وظیفه یا به سبب آن» مرتکب فعل زیانبار شده باشد و ارتکاب جرم نمی‌تواند در حیطه اختیارات تابع باشد. مگر اینکه عملی در حین انجام وظیفه و یا به سبب آن بوده و در عین حال جرم به حساب آید، مانند رانندگی در حین انجام وظیفه که هم صبغه کیفری دارد و هم مدنی که تحت شرایطی کارفرما می‌تواند مسئولیت نتایج مدنی عمل تابع را بر عهده داشته باشد.

۳.۲.۱. حقوق معاصر

در دوران معاصر با تغییر نگرش به ماده ۱۲۴۲ ق.م.ف (: Brun, 2005 : 296; Billet-Léna, 2008 : 250) اشخاص دیگری نیز می‌توانند نتایج مدنی ناشی از تخلفات دیگران را بر عهده بگیرند، زیرا در گذشته ماده مزبور مضیق تفسیر می‌شد (: Radé, 1998: 185; Lapoyade & Dechams, 2007: 1). اما در حقوق فرانسه با صدور رأی «بلیک» در سال ۱۹۹۱ و ایجاد «اصل مسئولیت مدنی ناشی از عمل غیر»^۱ (: Sériaux, 1998: 318; Fabre-Magan, 2007: 203 et Carbillac, 2008: 414). این عقیده به وجود آمد که مسئولیت مدنی ناشی از عمل غیر محدود به موارد احصاشده در بندهای ۴ تا ۶ ماده ۱۲۴۲ ق.م.ف نبوده و براساس بند ۱ ماده ۱۲۴۲ در موارد دیگری نیز می‌توان مسئولیت ناشی از عمل غیر را گسترش داد (: Malinvaud, 2005: 404; Benabant, 2005: 368). نکته شایان توجه این است که رأی «بلیک» و ایجاد قاعده مسئولیت مدنی ناشی از عمل غیر بر موضوع مورد بحث یعنی مسئولیت مدنی ناشی از جرائم ارتکابی دیگران بی‌تأثیر نیست، زیرا در مواردی مسئولیت مدنی ناشی از آنچه از نظر کیفری نوعی جرم به حساب آید، می‌تواند بر عهده دیگران قرار گیرد (Lassalle, 1993: 19).

۳.۲. دوم: تضمین نتایج عمل مجرمانه غیر

آنچه تاکنون مطرح شد در مورد اشخاصی بود که نتایج مدنی اعمال مجرمانه دیگران را به‌عنوان مسئولیت مدنی بر عهده دارند. اما گاهی برحسب قرارداد یا به حکم قانون برخی از اشخاص

1. Le principe général de responsabilité du fait d'autrui

اعم از حقیقی یا حقوقی تضمین نتایج مدنی اعمال مجرمانه دیگران را بر عهده دارند. در این موارد بهتر است از «تضمین» صحبت شود نه «مسئولیت مدنی»، زیرا در این موارد جبران بر عهده فاعل فعل زیانبار نیست و مسئولیت نوعی تضمین پرداخت خسارات مدنی ناشی از جرم است. چنانکه این اشخاص نیز به عنوان «مسئول» تلقی نمی شوند، بلکه نوعی تضمین در جبران خسارات به شمار می روند. مانند فرضی که اتومبیلی بیمه شده و سارقی آن را به سرقت ببرد که می توان گفت که جرم سرقت را سارق انجام داده، اما جبران خسارات بر عهده بیمه است. در این موارد شاید نتوان شرکت را به عنوان «مسئول» قلمداد کرد، اما به نوعی تضمین پرداخت خسارات است. این اشخاص که به عنوان تضمین به کار می روند بر سه قسم اند: شرکت های بیمه، صندوق های تأمین اجتماعی و نهاد اداره و دولت (Lassalle, 1993: 19).

۳.۲.۱. مورد اول: شرکت بیمه

با بیمه، ضرر بدون جبران نمی ماند (ایزنلو، ۱۳۸۶: ۹۵)، به همین دلیل یکی از دلایل گسترش مسئولیت مدنی ناشی از عمل غیر، توسعه صنعت بیمه بوده است (Radé, 2005: 9). در موضوع مورد بحث گاهی شرکت بیمه نتایج مدنی جرم را بر عهده می گیرد. زمانی که قربانی جرم یا زیان دیده خود را بیمه کرده و با شرکت بیمه قرارداد دارد، برحسب اصول مندرج در بیمه نامه شرکت بیمه خسارات را تا سقفی که در بیمه نامه مندرج است، پوشش می دهد و جبران می کند و صرف نظر از اینکه منشأ این خسارات چه بوده است، خسارات را می پردازد و سپس جانشین زیان دیده در حقوق می شود، بنابراین می تواند به فاعل فعل زیانبار و در اینجا مجرم رجوع کند. مانند فرضی که شخصی اتومبیل خود را بیمه کرده و سارقی آن را به سرقت برد که تا سقف مندرج در بیمه نامه، شرکت بیمه خسارات را می پردازد. در مواردی نیز شخص مجرم با شرکت بیمه قرارداد دارد و مسئولیت خود را بیمه می کند که در این فرض شرکت بیمه زمانی خسارات را می پردازد که عمل ارتكابی عمدی نبوده و عمل به اصطلاح از جمله جرائم غیر عمدی باشد، مانند خسارات وارده در سانحه تصادف که شرکت بیمه خسارات را می پردازد. نکته شایان توجه این است که زمانی زیان دیده خود با شرکت بیمه قرارداد دارد و خود را بیمه می کند، خسارات نباید از سوی بیمه گذار عمدی باشد. در نتیجه زیان دیده ای که خود با آگاهی و از روی اراده سبب خسارت به خویش را فراهم آورده است، از جبران خسارات مندرج در عقد بیمه محروم خواهد شد؛ مانند فرضی که راننده ای اتومبیل خود را بیمه کند و برای استفاده از بیمه، خود اقدام به آتش زدن اتومبیل کند. این امر از ماده ۱-۱۱۳ ل قانون بیمه فرانسه به دست می آید و در حقوق ایران نیز ماده ۱۴ قانون بیمه به همین مسئله اشاره داشته و مقرر می دارد: «بیمه گر مسئول خسارات ناشی از تقصیر بیمه گذار یا نمایندگان او نخواهد بود» که منظور از

این تقصیر، عمد است، زیرا به طور طبیعی بیمه‌گذار خسارات ناشی از افعال مقصرانه خود را بیمه می‌کند و همین امر نشان می‌دهد که منظور از این تقصیر حالت عمدی است. با وجود این، به نظر می‌رسد در مواردی که شخصی از نظر مدنی مسئول عمل دیگری است و این مسئولیت خود را بیمه می‌کند، از نظر شرکت بیمه چندان فرقی نمی‌کند که عمل عمدی بوده یا نه و بنابراین شرکت بیمه خسارات را خواهد پرداخت. به همین دلیل در حقوق فرانسه با توجه به اینکه پدر و مادر مسئول جبران خسارات ناشی از فعل کودکانشان هستند، اگر این مسئولیت را بیمه کرده باشند، شرکت بیمه موظف به جبران خسارات خواهد بود، هر چند به زعم برخی عمل کودک نوعی تخلف کیفری و عمدی به حساب آید که این امر مستفاد از ماده ۲-۱۲۱ ل قانون بیمه فرانسه است که مقرر می‌دارد که زمانی که بیمه‌شده مسئول عمل اشخاصی مذکور در ماده ۱۲۴۲ ق.م.ف است، صرف‌نظر از سنگینی تقصیر این اشخاص، شرکت بیمه خسارات را خواهد پرداخت (Lassalle, 1993: 19).

۳.۲.۲. مورد دوم: صندوق تأمین اجتماعی و صندوق تأمین

در مواردی، صندوق‌های تأمین اجتماعی یا صندوق‌های تأمین نیز نتایج مدنی عمل کیفری دیگران را بر عهده دارند که از دولت رفاه امروزی نیز چنین انتظاری بی‌جا نیست (بادینی، ۱۳۹۳: ۴۵۲). در ابتدا باید از صندوق‌های تأمین اجتماعی نام برد که در مواردی نتایج مدنی اعمالی را بر عهده می‌گیرند که در حقوق کیفری مطرح‌اند. چنانکه در حقوق فرانسه با تجمع شرایطی این صندوق‌ها برای قربانیان برخی از تخلفات کیفری امتیازاتی از جمله جبران خسارات را قائل‌اند. البته این صندوق‌ها بعد از جبران خسارات قائم‌مقام زیان‌دیده شده و دارای همان حقوقی‌اند که زیان‌دیده داشته و بنابراین می‌توانند به فاعل فعل زیانبار مجرمانه رجوع کنند. همین نقش را گاه صندوق تأمین بازی می‌کند. چنانچه در صندوق تأمین که در قانون بیمه‌های اجباری پیش‌بینی شده، چنین صندوق‌هایی خسارات را جبران کرده و قائم‌مقام زیان‌دیده در رجوع به راننده خطاکار خواهند بود. امروزه جبران خسارات توسط این صندوق‌ها محدود به حوادث رانندگی نبوده و در دیگر حوادث مانند جرائم تروریستی نیز خسارات را جبران می‌کنند (Lassalle, 1993: 19).

۳.۲.۳. مورد سوم: نهاد اداره یا دولت

گروه سومی که تضمین جبران خسارات را بر عهده دارند، نهاد اداره یا دولت است. در برخی رژیم‌های حقوقی در مواقعی که کارمند مرتکب تخلفی شده یا شخص ثالثی تخلفی کرده و بر کارمند خسارتی وارد شده باشد، نهاد اداره یا دولت جبران خسارات را تضمین می‌کند. چنانکه

اگر کارمند متحمل خساراتی بدنی شده باشد که منسوب به شخص ثالثی است، نهاد اداره کمک‌هایی را در قبال کارمند بر عهده می‌گیرد که در حقوق فرانسه در فرمان ۷ ژانویه ۱۹۹۵ اشاره شده و شامل اقلامی مانند هزینه‌های پزشکی و دارویی است. این امر نشان می‌دهد که حقوق برخی کشورها در راستای حمایت از کارمندان در قبال جرائم از خود عکس‌العمل نشان می‌دهد و هزینه‌های ناشی از جرائم اشخاص ثالث را بر دولت تحمیل کرده است. همچنین، وقتی که کارمند مرتکب تخلفی شده و به شخصی خسارتی وارد شده است، در برخی نظام‌های حقوقی نهاد اداره نتایج مدنی عمل خلاف کارمند را در مقابل زیان‌دیده بر عهده خواهد داشت. با وجود این، در این مورد باید دو مورد را از یکدیگر تفکیک کرد: فرض اول در موردی است که کارمند مرتکب تخلفی شده که ربطی به وظیفه وی نداشته و از وظیفه او جداست که در این مورد خود کارمند مسئول است و نهاد اداره مسئولیتی در قبال آن ندارد. اما در مواردی تخلف کارمند خطایی اداری تلقی شده و قابل تفکیک از وظیفه وی نیست که در این موارد خود کارمند از لحاظ کیفری مسئولیت کیفری خواهد داشت. اما در عین حال نهاد اداره نتایج مدنی جبران خسارات ناشی از تخلف مزبور را بر عهده می‌گیرد. این مورد در فرضی رخ می‌دهد که کارمند در راستای انجام وظیفه خود مجال ارتکاب تخلف را می‌یابد. (Lassalle, 1993: 19).

۴. مسئولیت کیفری ناشی از عمل غیر در آیین دکتین

مسئولیت کیفری ناشی از عمل غیر، به آسانی قابل پذیرش نیست. اما، نتایج مدنی عمل مجرمانه گاه گریبانگیر اشخاصی غیر از مجرم می‌شود که ممکن است همین نکته به ذهن القا کند که طرح مسئولیت کیفری ناشی از عمل غیر نیز امکان‌پذیر است. به همین دلیل از منظر حقوق تطبیقی، در حقوق فرانسه حقوقدانان معتقدند دو نوع مسئولیت کیفری ناشی از عمل غیر، قابل تصور است: اول، مسئولیت مالی ناشی از عمل غیر که در حقوق مدنی و حقوق کیفری وجود دارد؛ دوم، مسئولیت عیناً کیفری به جهت عمل دیگری که در قسمت‌های بعد بررسی می‌شود.

۴.۱. اول: مسئولیت مالی ناشی از عمل غیر

مسئولیت مالی ناشی از عمل غیر در حقوق مدنی و حقوق کیفری وجود دارد^۱ که گاه این نوع مسئولیت به سبب طبیعت مالی مسئولیت، بیشتر نوعی واسطه بین مسئولیت کیفری و مسئولیت

1. Les cas de responsabilité pécuniaire pour le fait d'autrui intermédiaires entre droit civil et droit pénal

مدنی^۱ است (Viney & Jourdain, 1998: 808) که می‌تواند اشکال خاصی به خود گیرد که در قسمت‌های بعد مطرح می‌شود.

۴. ۱. ۱. مورد اول: جریمه

به‌زعم نویسندگان فرانسوی جریمه در عین حال که نوعی مجازات مالی است (Garpaud, 1921: 381)، دارای طبع مدنی نیز است (Viney, 1995: 121) که این اندیشه در برخی کشورهای اسلامی نیز یافت می‌شود (سنهوری، ۱۹۹۸، ج: ۵۰). این ایده یادگاری از حقوق رم است که جرم را مانند قرارداد منبع تعهدات می‌دانستند (May, 1925: 285) و امروزه در حقوق فرانسه طبق ماده ۱۳۷۰ هنوز جرم منبع تعهدات است (Terré, Simler & Lequette, 2005: 24; Weill & Terré, 1975: 681; Mazeaud, 1978: 427)، بنابراین جریمه، حالت واسطه بین دو مسئولیت کیفری یا مدنی است. درحالی‌که عمل مستوجب جریمه را شخص دیگری مرتکب شده است^۲، در برخی از مقررات قانونی در حقوق فرانسه می‌توان به مواردی برخورد کرد که قانونگذار اجازه داده تا پرداخت جریمه بر عهده شخصی غیر از فاعل جرم تحمیل شود. برای مثال بند ۲ ماده ۱۲۱۱ قانون جاده‌ای فرانسه مقرر داشته است که راننده یک وسیله نقلیه از نظر کیفری خود مسئول تخلفات خود است. اما زمانی که راننده یک وسیله نقلیه در موقعیت یک کارگر و تابع مرتکب جرمی شده است، دادگاه می‌تواند با رعایت اوضاع و احوال و شرایط کار ذی‌نفع، حکم دهد که پرداخت جریمه کلاً یا جزئاً بر عهده کارفرما یا متبوع قرار گیرد.^۳ بنابراین مسئولیت متبوع یا کارفرما در فرضی است که کارگر تخلفی در امر رانندگی مرتکب شده باشد، مانند سرعت غیرمجاز و منظور از رعایت اوضاع و احوال در ماده همین است که دادگاه‌ها بررسی کنند ببینند آیا تخلف مربوط به وظیفه کارگر است یا نه؟ (Lassalle, 1993: 19). به‌نظر می‌رسد این چنین جزای نقدی که می‌تواند بر عهده دیگری بار شود، در تخلفات کوچک ممکن است (Viney & Jourdain, 1998: 809). با وجود این، در جرائم سنگین‌تر از تخلف ساده هم گاه این امر به چشم می‌خورد. چنین مقرره‌ای را می‌توان در ماده ۲-۴۷۴۱ قانون کار فرانسه دید که در مواردی پرداخت جریمه می‌تواند بر عهده کارفرما قرار گیرد (Viney & Jourdain, 1998: 810). همچنین در قوانین گمرکی و مالیاتی فرانسه فروضی پیش‌بینی شده است که در آن موارد، مالک محموله و اجناس، مسئولیت مدنی و کیفری کارگران و گماشتگان خود

1. Intermédiaires entre responsabilité civile et responsabilité pénale

2. La condamnation à payer une amende pour une infraction commis par autrui

۳. البته طبق این ماده دادگاه مختار است تا همه یا بخشی از جزای نقدی را بر کارفرما یا متبوع تحمیل نماید. نکته قابل توجه این است که قبل از تصویب این قانون نیز در عمل بنگاه‌های حمل و نقل به‌طور معمول و برحسب عادت می‌پذیرفتند که جریمه‌های رانندگان خود را بپردازند و بنابراین این قانون چیز جدیدی به‌همراه نداشت و فقط رویه عملی را تأیید می‌کرد.

را خواهد داشت که در این موارد مسئولیت حالت جانشینی داشته و بنابراین گویا فقط کارفرما یا متبوع مسئول خواهد بود (Lassalle, 1993: 19). در مواردی نیز در حقوق فرانسه می‌توان به مواردی برخورد که قانونگذار پیش‌بینی کرده که مسئولیت کارگر و کارفرما یا متبوع و تابع در این مورد مسئولیت تضامنی است و هر در متعهد به پرداخت وجه هستند (Lassalle, 1993: 19). در هر حال در این موارد که مسئولیت به پرداخت جریمه می‌تواند بر عهده شخصی غیر از فاعل جرم قرار گیرد، همان‌گونه که گفته شد به سبب طبع مالی مسئولیت مزبور که حالت واسطه بین حقوق مسئولیت مدنی و مسئولیت کیفری است، می‌توان گفت که به خصیصه شخصی بودن مسئولیت کیفری خدشه‌ای وارد نشده و تحمیل جریمه بر دیگری به سبب ماهیت مدنی آن است.^۱

۴.۱.۲. مورد دوم: تعهد به جبران خسارات

مورد دیگر که از جمله موارد واسطه بین حقوق مدنی و کیفری است، در فرضی است که قانون تعهد به جبران خسارت را از جنبه حقوق مسئولیت مدنی بر عهده شخصی غیر از مجرم تحمیل می‌کند. تفاوت این دو مورد در این است که در مورد اول، جزای نقدی را که دارای ماهیتی دوگانه است، بر شخصی غیر از مجرم بار کرده است، یعنی در این فرض جزای نقدی دو روی یک سکه است؛ هم جنبه کیفری دارد و هم تعهدی است که موضوع آن جبران خسارت است. اما در فرض اخیر قانون صرفاً به جنبه مدنی نظر داشته و فقط جبران خسارت را از منظر حقوق مدنی بر شخصی غیر از مجرم بار کرده است. برای مثال ماده ۴۳-۲۲۸ ل قانون مربوط به روستاها در حقوق فرانسه مقرر می‌داشت که پدر و مادر و قیم و ارباب و متبوع از نظر مدنی، مسئول تخلفات شکار غیرمجازی هستند که به وسیله فرزندان صغیر، اشخاص تحت‌الولایه و خادمان و تابعان آنها ارتکاب یافته است که به تصریح قانون، این مسئولیت فقط در راستای مسئولیت ناشی از عمل غیر یعنی ماده ۱۲۴۲ ق.م.ف می‌بود. همچنین در ماده ۴۴ قانون ۱۸۸۱ در فرانسه که در سال ۱۹۵۲ اصلاح شد، مطرح شده بود که مالکان روزنامه در مورد محکومیت‌های مالی که به نفع اشخاص ثالث در برابر همه عوامل مانند سردبیر، مدیر مسئول، نویسنده، فروشنده و توزیع‌کنندگان صادر شده باشد، مطابق مقررات مواد ۱۲۴۰ و ۱۲۴۱ و ۱۲۴۲ ق.م.ف مسئول‌اند. دیوان عالی فرانسه در این موارد نتیجه

۱. البته در این موارد به جهت طبع مدنی آن، مسئولیت کیفری ناشی از عمل غیر به معنی دقیق آن وجود ندارد. با وجود این، با توجه به اینکه فعل مولد مسئولیت یک جرم بوده و جنبه کیفری داشته است، نمی‌توان بدون حکم قانونگذار چنین مسئولیتی را بی‌جهت بر دیگری تحمیل کرد و به عبارتی به نظر می‌رسد نمی‌توان با وحدت ملاک از مسئولیت مدنی بدون وجود نص این مسئولیت را بر دیگری تحمیل کرد (Viney & Jourdain, 1998 : 810).

گرفته است که این مسئولیت مالی صرفاً مدنی بوده و مربوط به جبران خسارات است نه جریمه و جزای نقدی. این مقررات در راستای گسترده کردن مسئولیت مدنی ناشی از عمل غیر است، تا گذشته از موارد احصاشده در ماده ۱۲۴۲ ق.م.ف بتوان اشخاصی را در موارد دیگر نیز مسئول دانست و در نتیجه این ضمانت اجرای مدنی، ربطی به ضمانت اجرای کیفری ندارد. (Viney & Jourdain, 1998: 811)

۲.۴. دوم: مسئولیت عیناً کیفری به جهت عمل دیگری

مورد دوم از منظر دکترین، مسئولیت عیناً کیفری به جهت عمل دیگری^۱ است که به نظر برخی این نوع مسئولیت، هیچ تکیه‌گاهی در قوانین نداشته و این رویه قضایی فرانسه بوده که آغازکننده طرح چنین مسئولیتی بوده است. نقطه آغازین این مسئولیت آرایبی بوده است که در آنها در محدوده ایمنی محیط کار، مسئولیت کیفری رئیس مؤسسه به سبب جرائمی که تابعان و گماشتگان وی انجام می‌دهند، مورد پذیرش قرار گرفته است. در واقع در راستای اتخاذ تدابیری به منظور بهبود ایمنی کار و وادار کردن کارفرمایان به اقدامات پیشگیرانه از حوادث در محیط کار، رویه قضایی سعی کرده تا با تحمیل مسئولیت کیفری بر رئیس مؤسسه، نسبت به تخلفات و جرائمی که اشخاص تحت نظر وی انجام داده‌اند، سهمی در توسعه بهبود امنیت محیط کار داشته باشد، زیرا رئیس یک مؤسسه، شخصاً مسئول امنیت افراد زیر نظر خود است. هرچند این امر، مانع از مسئولیت فاعلان و مجرمان دیگر نیست. این مسئولیت در قرن نوزدهم مطرح شد و در فاصله سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ تا حدودی اوج گرفت، اما قانون ۶ دسامبر ۱۹۷۶ مربوط به پیشگیری از حوادث کار با مقرر داشتن لزوم اثبات تقصیر فاعل تخلف، تا اندازه‌ای تمایل به گرفتن ترمز این پیشرفت کرد. با این حال، مسئولیت کیفری به سبب عمل غیر به هیچ وجه محدود به موارد تخلفات مربوط به ایمنی کار نشده بود و از ۱۶ دسامبر ۱۹۴۸ در حقیقت این قاعده بنا شده بود که در هر حرفه و صنعتی که رئیس مؤسسه تعهد به اجرای برخی از اوامر و احکام قانونی دارد، مسئولیت ناشی از عمل غیر، قابل پذیرش است.^۲ این مسئولیت یعنی مسئولیت کیفری ناشی از عمل غیر، امروزه جایگاه مهمی در حقوق پیدا نموده است. زیرا عملاً همه تخلفات و جرائمی را در برمی‌گیرد که در خصوص عدم رعایت مقرراتی

1. Les cas de responsabilité proprement pénale pour le fait d'autrui

۲. بدیهی است که این فرمول به تفسیر موسع مسئولیت کیفری ناشی از عمل غیر ختم می‌شود. چنانچه مسئولیت کیفری رئیس مؤسسه ناشی از عمل تابعان و گماشتگان در همه تخلفات و جرائم خواه مربوط به ایمنی، خواه مربوط به قانون تأمین اجتماعی، حقوق مالیه، یا همه مقررات اقتصادی یا مربوط به حمل و نقل یا توزیع یا کیفیت کالا یا حمایت از محیط زیست باشد، می‌تواند محقق شود. همچنانکه مفهوم مؤسسه یا کارگاه بسیار موسع تفسیر می‌گردد.

است که رئیس یک مؤسسه باید بر رعایت آنها مراقبت داشته باشد^۱ (Viney & Jourdain, 1998: 813).

به‌زعم نویسندگان حقوق فرانسه، مسئولیت کیفری ناشی از عمل غیر در حقوق موضوعه فرانسه لنگر انداخته و بعید نیست که در آینده‌ای نزدیک اهمیت بیشتری به‌دست آورد. در واقع اینکه قانون جزای سال ۱۹۹۲ «اصل مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را در مورد تخلفات و جرائمی که نمایندگان و ارگان‌های آنها به حساب آنها انجام می‌دهند»^۲ را پذیرفته یک حرکت را در حقوق فرانسه نشان می‌دهد. البته منوط به اینکه تعقیب اشخاص حقوقی به‌حد کافی بتواند قابلیت اجرایی داشته باشد و منوط به اینکه مسئولیت اشخاص حقوقی به‌سبب عمل نمایندگان و ارگان‌های آن بتواند به‌عنوان مسئولیت کیفری ناشی از عمل غیر به‌حساب آید (Viney & Jourdain, 1998: 816). در حقوق ایران مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی ناشی از عمل دیگران قابل طرح است. برای مثال ماده ۱۴۳ ق.م.ا.مصوب ۱۳۹۲ مقرر می‌دارد: «در مسئولیت کیفری اصل بر مسئولیت شخص حقیقی است و شخص حقوقی در صورتی دارای مسئولیت کیفری است که نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود. مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مانع مسئولیت اشخاص حقیقی مرتکب جرم نیست».

۱. برخی حقوقدانان معتقدند این مسئولیت مبتنی بر ایده ریسک نیست. در این میان یکی از این شرایط این است که بتوان یک عدم مراقبت و اهمال کاری از نظر مادی به تابع یا گماشته یا کارگر نسبت داد. اما نسبت به این مسئله که آیا مسئولیت کیفری مزبور نیازمند تقصیر رئیس هم است یا نه از منظر حقوقدانان فرانسوی مسئله بی‌نهایت دشوار است. پاسخ دکترین و رویه قضایی فرانسه به این پرسش مبهم و تاریک است. عده‌ای از حقوقدانان با تکیه بر «فرض تقصیر» (Présomption de faute) اعتقاد دارند که به محض این که تخلف و جرمی از سوی گماشته و تابع به اثبات رسد، فرض بر خطای رئیس است. با این حال، این فقط یک «فرض ساده» (Une simple présomption) است که رئیس مؤسسه در هر حال می‌تواند با اثبات خلاف آن از زیر بار مسئولیت فرار کند. این اعتقاد بیشتر نزدیک به «فرض مسئولیت» (Présomption de responsabilité) است. در نتیجه با وجود اراده ملایم و تسکین‌بخش قانون ۶ دسامبر ۱۹۷۶ در مورد پیشگیری از حوادث کار که اثبات تقصیر رئیس را لازم دانسته است، شعبه کیفری دیوان عالی کشور فرانسه با اعلام اینکه نیازی به اثبات تقصیر نیست، تا حدودی سختگیری کرده است. با وجود این، در این شعبه به‌طور ضمنی این امکان برای رئیس مؤسسه در نظر گرفته شده است که بتواند خود را از زیر این بار سنگین رهایی دهد. چنانچه اگر رئیس به یکی از زیر دستان خود «تفویض اختیارات» (Une délégation de pouvoirs) کرده باشد، دیگر مسئول نیست. با وجود این، برای اینکه مسئولیت از رئیس به نماینده‌ای که از تفویض اختیار بهره‌برداری کرده است، منتقل شده باشد، رویه قضایی سخت‌گیری نموده است. اولین شرط برای تفویض اختیارات و در نتیجه انتقال مسئولیت این است که مؤسسه به قدری مهم و گسترده باشد که رئیس شخصاً نتواند رعایت کامل مقررات را در همه بخش‌ها و خدمات مؤسسه کنترل کند. شرط دیگر این است که موضوع این تفویض اختیار به قدر کافی معین و دقیق بوده و به گماشته و تابعی که نمایندگی از طرف رئیس پیدا کرده است، به قدر کافی اختیارات داده باشد تا بتواند بر اجرای مقررات نظارت داشته باشد. نهایتاً اینکه ابزارهای مادی و مالی به اندازه‌ای که اجرای این مقررات را تأمین نموده و پوشش دهد، در اختیار این نماینده‌ای که به وی تفویض اختیار شده است، قرار داده شده باشد.

2. Principe de responsabilité pénale des personnes morales en cas d'infractions commises pour leur compte par leurs organes ou représentants

۵. ماهیت مسئولیت کیفری ناشی از عمل دیگری

در خصوص ماهیت مسئولیت کیفری ناشی از عمل غیر، بیشتر حقوقدانان حقوق کیفری در این موارد از مسئولیت کیفری غیرمستقیم یاد کرده‌اند. با این حال اشاره کرده‌اند که اگرچه این متون به‌ظاهر نوعی پیچیدگی و انحراف از اصل شخصی بودن مجازات‌هاست، اما در واقع هیچ نقضی نسبت به اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری نیست، زیرا از نظر تنبیه، خود فاعل جرم تنبیه می‌گردد و در هیچ موردی شخصی به جهت عمل دیگری مجازات نمی‌شود. به‌عبارتی هیچ شخص ثالثی به‌سبب رفتار مجرمانه دیگری مجرم شناخته نشده و سابقه کیفری برای وی ایجاد نمی‌شود. بنابراین در خصوص ماهیت چنین مسئولیتی می‌توان گفت که به‌نظر می‌رسد از نظر تحلیلی مسئولیت کیفری ناشی از عمل دیگری، واقعاً به مفهوم دقیق خود نمی‌تواند وجود داشته باشد. همه مواردی که مطالعه شد، نوعی ضمان مالی و به‌عبارتی نوعی تنبیه مالی است که در واقع بیانی از مسئولیت مدنی است، چراکه اگر بار کردن مسئولیت بر دارایی از تحمیل آن بر جان اولی باشد (جعفری تبار، ۱۳۹۳: ۵۹۲) تحمیل تعهد مالی بر دارایی دیگران اولی از تحمیل مسئولیت بر جان و شخصیت آنهاست. در عمل نیز در رژیم‌های حقوقی اگر مسئولیت کیفری ناشی از عمل غیر، مطرح می‌شود، بیشتر در مورد جریمه است که به‌سبب طبع مالی آن گذشته از جنبه کیفری، دارای ماهیت مدنی و به‌عبارتی واجد جنبه تعهد بوده (گارو، ۱۳۴۴، ج ۲: ۴۴۴) و قابل تسری به دیگران نیز است (Viney, 1998:809; Donnedieu de verbes, 1947:374)، و‌گرنه تسری مسئولیت کیفری غیرمالی مانند حبس و شلاق بر عهده دیگری در رژیم‌های متمدن امروزی جایگاهی ندارد. به همین دلیل به‌جای مسئولیت کیفری ناشی از عمل دیگری بهتر است از «مسئولیت مدنی ناشی از جرم دیگری»^۱ سخن گفت؛ چنانکه در قانون گمرکی فرانسه همین اصطلاح به‌کار رفته است. به‌عبارتی در همه این موارد مسئولیت مدنی ناشی از جرم است که ممکن است بر عهده دیگری قرار گیرد و اصولاً در این موارد شخص به‌نوعی خسارات ناشی از جرم دیگران را بر عهده داشته و این خسارات را جبران می‌کند (Lassalle, 1993: 19). بنابراین مانند رویه قضایی فرانسه که گاه جلوتر از قانون در حرکت است (Steinlé- 145: 2008) تا زمان اصلاح عبارات ماده ۱۴۲ ق.م.ا دادگاه‌ها می‌توانند مسئولیت مزبور را حمل بر ضمان مالی ناشی از جرم دیگری کنند.

۶. نتیجه‌گیری

به‌نظر می‌رسد مسئولیت کیفری ناشی از عمل دیگری امروزه از سیستم‌های مدرن حقوقی جهان حذف شده و فقط امکان تحمیل نتایج مدنی جرم بر دیگری ممکن است که این امر هم منافی

1. Responsabilité civile du fait pénal d'autrui

اصل شخصی بودن حقوق کیفری نیست، زیرا نتایج مدنی نوعی مسئولیت مدنی است که تخصصاً از مفهوم مسئولیت کیفری خارج است. در نتیجه شبهه‌ای را که در ماده ۱۴۲ ق.م.ا به وجود آمده است، باید از اذهان زدود و به نظر می‌رسد نه تنها در دکترین، بلکه در بین رویه نیز نمی‌توان مصداقی یافت که مسئولیت کیفری به معنی دقیق آن قابل تحمیل بر شخص دیگری غیر از مجرم باشد. بنابراین وصف کیفری در ماده ۱۴۲ بیشتر به منشأ ایجاد تعهد یعنی جرم نظر داشته و نمی‌توان واقعاً چنین مسئولیت را کیفری دانست. این مسئولیت نوعی مسئولیت مدنی است که منشأ آن رفتار مجرمانه دیگری بوده است. در این زمینه از قانونگذار انتظار می‌رود تا در تحولات بعدی با اصلاح عبارات رفع ابهام کند. همچنین رویه قضایی می‌تواند با تفسیر مناسب از ماده ۱۴۲ شبهه تحمیل نتایج تنبیهی عمل مجرم بر غیر را از اذهان بزدايد.

منابع

الف) فارسی

۱. ایزانلو، محسن (۱۳۸۶). شروط محدودکننده و ساقط‌کننده مسئولیت در قراردادها. ج دوم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۲. بادینی، حسن (۱۳۸۴). فلسفه مسئولیت مدنی. ج اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۳. ----- (۱۳۹۳). «نظام جبران خسارت بدنی در حقوق ایران: بررسی کاستی‌ها و ارائه گزینه‌هایی برای تحول» مندرج در کتاب بر منهج عدل، به سعی دکتر حسن جعفری تبار، ج دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۴. باهری، محمد؛ داور، میرزا علی اکبرخان (۱۳۸۰). نگرشی بر حقوق جزای عمومی. ج اول، تهران: مجد.
۵. جعفری تبار، حسن (۱۳۹۴). «کاتوزیان و حقوق زیان، تحلیل نظریه مسئولیت مدنی و نگاه کاتوزیان به آن». مندرج در کتاب بر منهج عدل، به سعی دکتر حسن جعفری تبار، ج دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۶. شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۷۵). حقوق جزای عمومی. ج ۱، ج هفتم، تهران: انتشارات ویستار.
۷. صفایی، سید حسین؛ رحیمی، حبیب‌الله (۱۳۸۹). مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد). ج اول، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
۸. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶). حقوق مدنی. الزام‌های خارج از قرارداد، ج ۱، ج هشتم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۹. گارو (۱۳۴۴). مطالعات نظری و عملی در حقوق جزا، ترجمه دکتر سید ضیاء‌الدین نقابت، ج ۲، ج اول، تهران: انتشارات ابن‌سینا.
۱۰. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۷۹). قواعد فقه. بخش جزایی، ج ۴، ج اول، تهران: مرکز نشر علوم انسانی.
۱۱. معتمد، محمدعلی (۱۳۵۱). حقوق جزای عمومی. ج ۱، ج اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۲. ولیدی، محمدصالح (۱۳۷۸). حقوق جزای عمومی. ج ۱، ج چهارم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.

ب) عربی

۱۳. ثروت، جلال؛ عبدالمنعم، سلیمان (۱۴۱۶ق/۱۹۹۶م). اصول المحاکمات الجزاییه. ج اول، بیروت: المؤسسة الجامعیة الدراسات و النشر و التوزیع.

۱۴. حلی (فخرالمحققین) محمدبن یوسف بن یوسف اسدی (۱۳۸۷ق). **ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد**. ج ۴، ج ۱، قم: مؤسسه اسماعیلیان
۱۵. سنهوری، عبدالرزاق احمد (۱۹۸۸ق). **مصادر الحق**. ج ۱، ج دوم، بیروت: منشورات الحلبي الحقوقی.
۱۶. شریف مرتضی، علی بن حسین موسوی (۱۴۰۵ق). **رسایل الشریف المرتضی**. ج ۲، ج اول، قم: دارالقرآن الکریم.
۱۷. فاضل مقداد، جمال‌الدین مقداد بن عبدالله (۱۴۰۴ق). **التنقیح الرائع لمختصر الشرايع**. ج ۴، ج اول، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.

ج) خارجی

18. Benabant ,Alain (2005). **Droit civil.Les obligations**, 10^é.éd. Paris: Librairie général de droit et de jurisprudence. Montchrestien.
19. Brun, Philippe (2005). **Responsabilité civile extracontractuelle**, 1^é.éd. Paris: LexisNexis. Litec
20. Bllot – Léna, Aurélie (2008). **La responsabilité civile en droit des affaires, Des régimes speciaux vers un droit commun**.1^é.éd. Paris:L.G.D.J. Lextenso éditions.
21. Carbillac, Remy (2008). **Droit des obligations**, 8^é.éd. Paris:Dalloz.
22. Cardascia,Guillaume (1998). **Réparation et peine dans les droits cunéifor, et le droit romain**. in: La responsabilité à travers les age. 1^é.éd. Paris: E.D.Economica.
23. Colin, philippe ; Maistre du Chambon, patrick (1999). **Droit pénal général**, 4^é.éd. Paris: Armond colin.
24. Delebecque, Philippe; Jerome pansier, Frederic (2008). **Droit des obligations**, 4^é.éd. Paris:LexisNexis.
25. Deroussin, David (2007). **Histoire de droit des obligations**,1^é.éd. Paris: Economica.
26. Donnedieu de verbes (1946). **Precis de droit criminel**, 1^é.éd. Paris: Dalloz.
27. Fabre-Magnan, Muriel (2007). **Droit des obligations, Responsabilité civile et auasi-contracts**.1^é.éd. Paris:Presses universitaires de France.
28. Garpaud(G) (1921). **Precis de droit criminel**, 13^é.éd. Paris:Librairie de la societe du recueil siry.
29. Lapoyade Dechamps, Christien (1998). **Droit des obligations**,1^é.éd. Paris:Ellipes edition marketing S.Q.
30. Lecourt, Arnaud (2008). **Fiches de droit des obligations**, 19^é.éd. Paris :Ellipes edition marketing s.a.
31. Malaurie, Philippe; Aynes, Laurent; Stoffel-Munck, Philippe (2004). **Droit civil, Les obligations**. 1^é.éd. Paris: Editions juridiques associées.Défrenois.
32. Malinvaud, Philippe (2005). **Droit des obligations**, 9^é.éd. Paris:LexisNexis.Litec
33. Mazeaud, Henri,Leon,Jean (1978). **Lecons de Droit Civil, Obligations**.T2. 6^é.éd. Paris: Monntchrestien.
34. May, Gaston (1925). **Elements de Droit Romain**, 15^é.éd. Paris:Recuil sirey.
35. Poumarède, Matthieu (2011). **Droit des obligations**,1^é.éd. Paris:Montchrestien. Lextenso éditions.
36. **Responsabilité, individuelle; Garanties, collectives** (1998). 1^é.éd. Paris:presses universitaires de france.
37. Radé, Christophe (2005). « **DROIT À RÉPARATION, Responsabilité du fait d'autrui. Domaine: responsabilité des commettants** », Paris:*Responsabilité civile et Assurances*.
39. Starck, Boris ; Roland, Henri ; Boyer, Laurent (1996). **Obligations.T.I. Responsabilité civile**.5^é.éd. Paris:Librairie de la cour de cassation.
40. Sériaux, Alain (1998). **Droit des obligations**, 2^é.éd. Paris: Presses universitaires de france
41. Steinlé-Feuerbach, Marie.France (2008). **Droit des obligations**.1^é.éd. Paris:Ellipses édition Marketing.S.A.
42. Terré, Francois; Simler, Philippe; Lequette, Yves (2005) .**Droit Civil.Les Obligations**, 9^é.éd, Paris: Dalloz.
43. Viney, Geneviève (1995). **Traité de droit civil, Introduction à la responsabilité**. 2^é.éd. Paris: Librairie générale de droit et de jurisprudence
- 44.Viney, Genevieve (1988). **Traité de Droit Civil, Les obligations. La responsabilité**. 1^é.éd. Paris:Lbrairie générale de droit et de jurisprudence.

-
45. Viney, Geneviève; Jourdain, Patrice (1998). **Traité de Droit civil, Les conditions de la responsabilité civile**. 2é. éd. Paris: Librairie générale de Droit et de Jurisprudence.
46. Viney, Geneviève (2007). « **Principe de précaution et responsabilité civile des personnes privées** », *Recueil Dalloz*.
47. Weill, Alex. Terré.Francois. (1975)**Droit.Civil.Les obligations**, 2é.éd. Paris: Dalloz.